



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

امام مهدی (عج)

و سنت های الهی

نویسنده

سید محمد باقر
ابوعلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی (عج) و سنتهای الهی

نویسنده:

ابراهیم شفیعی سروستانی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام مهدی (عج) و سنتهای الهی
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	وقت و اجل شرط نابودی تمدن‌ها
۸	تغییر نعمت‌ها به دلیل تغییر رفتار و روحیات امت‌ها
۹	امامت، وراثت و خلافت مؤمنان صالح
۱۰	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

امام مهدی (عج) و سنت‌های الهی

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۲۲۶۳

سرشناسه: شفیعی سروسستانی ابراهیم عنوان و نام پدیدآور: امام مهدی (عج) و سنت‌های الهی شفیعی سروسستانی ابراهیم منشا مقاله: ، موعود، ش ۳۴، (آبان و آذر ۱۳۸۱): ص ۴۶ - ۵۱.

توصیفگر: محمدبن حسن عجم، امام دوازدهم توصیفگر: ظهور منجی توصیفگر: قرآن توصیفگر: سنت

اشاره

یکی از مهمترین موضوعاتی که به هنگام بحث از انقلاب جهانی امام عصر (عج) مطرح می‌شود این است که آن حضرت چگونه و با چه نیرویی در برابر نظام استکباری حاکم بر جهان می‌ایستد و همه تمدن‌های قدرتمند، اما فاسد، را به زانو در می‌آورد؟ آیا ایشان با قدرت نظامی و با بهره‌گیری از تسلیحات و تجهیزات پیشرفته و قدرتمند خود موفق به فروپاشی این تمدن‌ها می‌شود، یا علل و عوامل دیگری در کار است؟ تردیدی نیست که حضرت مهدی (ع) با امدادهای غیبی همراهی می‌شود و همه قوای طبیعی و ماورای طبیعی در خدمت ایشان است؛ اما به نظر می‌رسد رمز اصلی پیروزی ایشان بر همه قدرت‌های شیطانی حاکم بر جهان، حرکت ایشان در مسیر سنت‌های الهی حاکم بر هستی و هماهنگی این سنت‌ها با قیام‌رهایی بخش آن حضرت است. برای روشن‌تر شدن این موضوع لازم است که به بررسی سنت‌های الهی حاکم بر عالم تکوین و تشریح بردازیم. در شماره قبل پس از بررسی معنای لغوی سنت، اصل تغییرناپذیری سنت‌های الهی و... به بررسی برخی از سنت‌های الهی حاکم بر جوامع انسانی پرداختیم و گفتیم که براساس سنت تغییرناپذیر الهی، ظلم و بیدادگری عامل نابودی تمدن‌هاست. اینک ادامه بحث را با بررسی دیگر سنت‌های الهی حاکم بر جوامع پی می‌گیریم.

وقت و اجل شرط نابودی تمدن‌ها

اگر چه ظلم و ستم، خواه در صورت فردی و خواه در صورت اجتماعی آن، موجب نابودی اقوام و تمدن‌ها می‌شود، اما این نابودی زمانی به فعلیت می‌رسد که مهلت و اجل آن اقوام و تمدن‌ها به سرآید و به تعبیر قرآن «موعد» نابودی آنها فرا رسد. به بیان دیگر از دیدگاه قرآن هر «جامعه مستقل از افراد، حیات و شخصیت و مدت و اجل» [۱] مشخصی دارد و زمانی که این مدت و اجل به سرآید دیگر هیچ چیز نمی‌تواند مانع نابودی آن قوم و ملت شود. در این زمینه آیات متعددی در قرآن وارد شده که از جمله می‌توان به این آیات اشاره کرد: ۴-۲-۱. آیه ۵۸ سوره کهفدر این آیه، که پیش از این نیز بدان اشاره شد، به صراحت بیان شده که سنت خدا بر این نیست که به مجرد عصیان، نافرمانی و ستمگری قومی آنها را گرفتار عذاب و هلاکت کند، بلکه خداوند براساس غفران و رحمت بی‌انتهای خویش برای هر قومی موعده، اجل و یا سررسیدی تغییرناپذیر قرار داده است و تا زمانی که این اجل سرنیاید، آن قوم هلاک نمی‌شوند: وَرُبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ لَأَعَجَلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجْدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا. و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند، آنها را مؤاخذه می‌کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل می‌نمود [ولی چنین نمی‌کند] بلکه برای آنها سررسیدی است که هرگز از برابر آن راه‌گریزی نمی‌یابند. ۴-۲-۱. آیه ۳۴، سوره اعرافدر این آیه نیز بر این موضوع تأکید شده که هر امتی جدا از بقا و فنای تک‌تک افراد آن، بقا و فنای خاص

خود را دارد و زمانی که اجل امتی فرارسد هیچ چیز نمی‌تواند از آن جلوگیری کند: وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ. و برای هر امتی اجلی است؛ پس چون اجلشان فرارسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش ۳-۲-۴. آیه ۴۸ و ۴۹ سوره یونسدر آیات سخن از پرسشی است که از سوی مشرکان خطاب به رسول گرامی اسلام (ص) مطرح شده است. آن پرسش این است که: «خداوند چه زمانی بین ما و بین تو قضاوت می‌کند و ما را هلاک و ایمان آورندگان به تو را نجات می‌دهد» به بیان دیگر مشرکان با کلامی که جنبه تعجیز و استهزا داشت می‌خواستند به پیامبر بگویند که: «پروردگار تو هیچ کاری نمی‌تواند بکند، و این تهدیدهای تو، بیهوده‌ای بیش نیست، و گرنه چرا عجله نمی‌کنی و آن را عملی نمی‌سازی؟» خداوند نیز در پاسخ این استهزای مشرکان به پیامبر خود خطاب می‌کند که: «به آنها بگو من مالک نفع و ضرر خود نیستم، نه می‌توانم ضرری از خود رفع کنم و نه منفعتی را به سوی خود جلب نمایم. اما اینکه چرا عذاب خدا نازل نمی‌شود به این دلیل است که هر امتی اجل معینی دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند از آن تخطی کند. آن اجل خواه ناخواه فرا می‌رسد بی آنکه ساعتی از زمان مقرر خود، پیش یا پس افتد»: [۲]. وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ - قُلْ لَأَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ. می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت است؟» بگو: «برای خود زیان و سودی در اختیار ندارم، مگر آنچه را که خدا بخواهد. هر امتی را زمانی [محدود] است. آنگاه که زمانشان به سررسد، پس نه ساعتی [از آن] تأخیر کند و نه پیشی گیرند.» در تفسیر المیزان در ذیل این آیه چنین آمده است: ... هر امتی حیاتی اجتماعی و رای حیات فردی که مخصوص تک تک افراد است دارد، و حیات اجتماعی هر امتی از بقا و عمر آن مقداری را دارد که خدای سبحان برایش مقدر کرده است. و همچنین از سعادت و شقاوت و تکلیف و رشد و ضد رشد و ثواب و عقاب سهمی را دارد، که خدای تعالی برایش معین فرموده است و این حقیقت از چیزهایی است که تدبیر الهی عنایتی به آن دارد. [۳]. ۴-۲-۴. آیه ۶۱ سوره نحل این آیه نیز چون آیه پیشین بر این حقیقت تأکید می‌کند که کیفر الهی تنها در زمان معین آن فرا می‌رسد: وَلَوْ يُوَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ. و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می‌کرد، جنبنده‌ای بر روی زمین باقی نمی‌گذاشت، لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین باز پس می‌اندازد، و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی آن را پس و پیش نمی‌توانند افکنند. هر امتی جدا از بقا و فنا و تک تک افراد آن، بقا و فنا و خاص خود را دارد و زمانی که اجل امتی فرارسد هیچ چیز نمی‌تواند از آن جلوگیری کند ۵-۲-۴. در آیه ۴۵ سوره فاطر همین تعبیر تکرار شده است. ۶-۲-۴. در سوره نوح نیز موضوع اجل اقوام و امت‌ها به بهترین شکلی بیان شده است. در آغاز این سوره هدف از فرستادن نوح را انداز قومه‌ای پیش از فرارسیدن عذاب دردناک و به بیان دیگر سرآمدن اجل و وقت مقرر دانسته، می‌فرماید: إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. ما نوح را به سوی قومه فرستادیم که: «قومت را، پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، هشدار ده.» آنگاه به نقل سخنان نوح خطاب به قومش پرداخته، می‌فرماید: قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ - أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا - يَعِزُّ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهُ إِذَا جَاءَ لَا يُوَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. [نوح] گفت: ای قوم من، من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم، که خدا را بپرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید. [تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد. اگر بدانید، چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت. ۷-۲-۴. آیه ۱۱ سوره رعد در این آیه بر این نکته تأکید شده است که هر گاه اراده خداوند به نابودی قومی تعلق گیرد دیگر هیچ قدرتی نمی‌تواند مانع تحقق این اراده شود. به عبارت دیگر با فرارسیدن اجل مقرر هر قوم و پایان یافتن مهلت آنها، هیچیک از توانایی‌ها، امکانات و تجهیزات آنها نمی‌تواند اندکی این اجل مقرر را به تأخیر بیندازد: ... وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ.... و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. نتیجه‌گیری: نتیجه‌ای که از آیات یاد شده به دست می‌آید چنین است: همه اقوام و تمدنهای ستم‌پیشه، هر چند قدرتمند و دارای

توان نظامی و اقتصادی قابل توجه، براساس سنت الهی، اجل و سرآمد معین و مشخصی دارند و بالاخره روزی طعم نابودی و فنا را می‌چشند. در چنین روزی هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند مانع سقوط و فروپاشی آنها شود. حتی اگر آنها همه توان نظامی و اقتصادی خود را به کار گیرند حتی لحظه‌ای نیز نمی‌توانند اجل معین خود را به تأخیر اندازند. براین اساس می‌توان گفت که چون در زمان ظهور امام مهدی (ع) اجل و مهلت تمدن‌های ستم‌پیشه به سر آمده و عمر آنها پایان یافته است، هرگونه مقاومتی از سوی این تمدن‌ها بی‌فایده است و هیچ عاملی نمی‌تواند موجب بقا و استمرار حیات آنها شود و به همین دلیل آن امام می‌تواند در ظرف مدت نسبتاً کوتاهی همه نظام‌ها و حکومت‌های خودکامه، ستمگر و کفر پیشه را از روی زمین براندازد و حکومت عادلانه خود را برقرار سازد.

تغییر نعمت‌ها به دلیل تغییر رفتار و روحیات امت‌ها

از آیات متعددی از قرآن استفاده می‌شود که اقبال و ادبار خداوند به هر قومی تابعی از روحیات، اعمال و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت‌های الهی برای هر ملتی وابسته به عملکرد آن ملت است. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می‌نویسد: قرآن کریم نکته فوق‌العاده آموزنده‌ای در مورد سنت‌های تاریخ یادآوری می‌کند و آن اینکه مردم می‌توانند با استفاده از سنن جاریه الهیه در تاریخ، سرنوشت خویش را نیک یا بد گردانند... یعنی سنت‌های حاکم بر سرنوشت‌ها در حقیقت یک سلسله عکس‌العمل‌ها و واکنش‌ها در برابر عمل‌ها و کنش‌هاست. عمل‌های معین اجتماعی عکس‌العمل‌ها و واکنش‌ها در برابر عمل‌ها و همه اقوام و تمدن‌های ستم‌پیشه، هر چند قدرتمند و دارای توان نظامی و اقتصادی قابل توجه، براساس سنت الهی، اجل و سرآمد معین و مشخصی دارند و بالاخره روزی طعم نابودی و فنا را می‌چشند. در چنین روزی هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند مانع سقوط و فروپاشی آنها شود کنش‌هاست. عمل‌های معین اجتماعی عکس‌العمل‌های معینی به دنبال خود دارد. از این رو در عین اینکه تاریخ با یک سلسله نوامیس قطعی و لایتخلف اداره می‌شود، نقش انسان و آزادی و اختیار او به هیچ وجه محو نمی‌گردد. [۴]. در اینجا به برخی از آیاتی که این موضوع از آنها استفاده می‌شود اشاره می‌کنیم: ۱-۳-۴. آیات ۵۲ و ۵۳ سوره انفال در این آیات پس از بیان این موضوع که چگونه خاندان فرعون و کسانی که پیش از آنها بودند، پس از کفر ورزیدن، به کیفر گناهان خود گرفتار آمدند، این گرفتار آمدن را ناشی از یک قاعده کلی در نظام آفرینش دانسته، می‌گوید: خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنها آنچه را در دل دارند تغییر دهند: كَذٰلِكَ كَفَرْنَا اَلْاَوَّلَآءُ وَ الْاٰخِرُونَ وَ الَّذِيْنَ مِّنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ شَدِيْدُ الْعِقَابِ - ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُعْتَبِرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَ اَنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ. [رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند: به آیات خدا کفر ورزیدند؛ پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد. آری، خدا نیرومند سخت کیفر است. این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشت تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند، و خدای شنوای داناست. علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: عقابی که خداوند معاقبین را با آن عذاب می‌کند همیشه به دنبال نعمت الهی‌ای است که خداوند قبل از آن عقاب ارزانی داشته، به این طریق که نعمت را برداشته عذاب را به جایش می‌گذارد و هیچ نعمتی از نعمت‌های الهی به نعمت و عذاب مبدل نمی‌شود مگر بعد از تبدیل محلش که همان نفوس انسانی است. پس نعمتی که خداوند آن را بر قومی ارزانی داشته وقتی به آن قوم افاضه می‌شود که در نفوسشان استعداد آن را پیدا کنند و وقتی از ایشان سلب گشته و مبدل به عذاب می‌شود که استعداد درونی‌شان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد. و این خود یک قاعده کلی است در تبدیل نعمت به نعمت و عقاب... [۵]. ۲-۳-۴. آیه ۱۱ سوره رعد در این آیه نیز به صراحت سرنوشت اقوام را ناشی از تغییر حال آن دانسته، می‌فرماید: اِنَّ اللّٰهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ..... در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد، تا آنان حال خود را تغییر دهند. علامه

طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: از قضایای حتمی و سنت جاریه الهی یکی این است که همواره میان احسان و تقوی و شکر خدا، و میان توارد نعمت‌ها و تضاعف برکات ظاهری و باطنی و نزول و ریزش آن از ناحیه خدا ملازمه بوده و هر قومی که احسان و تقوی و شکر داشته‌اند خداوند نعمت را برایشان باقی داشته، و تا مردم وضع خود را تغییر نداده‌اند روز بروز بیشتر کرده است... و اما اینکه اگر فساد در قومی شایع شود و یا از بعضی از ایشان سر بزند نعمت و عذاب هم برایشان نازل می‌شود. آیه شریفه از تلازم میان آنها ساکت است، نهایت چیزی که از آیه استفاده می‌شود این است که: خداوند وقتی روش خود را تغییر می‌دهد و عذاب می‌فرستد که مردم رفتار خود را عوض کرده باشند، البته این مطلب امکان دارد نه اینکه به فعلیت در آوردنش واجب باشد؛ زیرا این از آیه استفاده نمی‌شود. [۶]. نتیجه‌گیری: گفتیم که براساس یکی از سنت‌های تغییرناپذیر الهی، اقبال و ادبار خداوند به هر قوم یا ملتی تابعی از روحيات، اعمال و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت‌هایی که خداوند به جامعه‌ای ارزانی داشته، ارتباطی ناگسستنی با واکنش‌های آنها در برابر این نعمت‌ها دارد. از آیات متعددی از قرآن استفاده می‌شود که اقبال و ادبار خداوند به هر قومی تابعی از روحيات، اعمال و رفتار آنهاست و بقا و زوال نعمت‌های الهی برای هر ملتی وابسته به عملکرد آن ملت استبه عبارت دیگر سرنوشت هر قومی در گرو عملکرد آنهاست، و هر قوم می‌تواند با رفتار و اعمال مناسب و یا نامناسب خود سرنوشت خود را نیک و یا بد گرداند. بر این اساس می‌توانیم بگوییم که در ظهور امام مهدی (ع) نیز خواست و تمنای درونی انسان‌ها نقش دارد و قطعاً اگر مردم از صمیم دل خواهان درک نعمت بزرگ الهی؛ یعنی وجود امام معصوم (ع) در جامعه شوند و با رفتار و عملکرد خود نیز این موضوع را نشان دهند، خداوند نیز این نعمت را بر آنها ارزانی خواهد داشت.

امامت، وراثت و خلافت مؤمنان صالح

یکی دیگر از قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر جوامع بشری، خلافت، امامت و وراثت نهایی مستضعفان صالح و اهل ایمان است. از آیات متعددی از قرآن کریم چنین برمی‌آید که براساس یک قانون و سنت الهی، بندگان مؤمن و صالح خداوند که جز در مقاطع محدودی از تاریخ کره خاک، همواره به استضعاف کشانده شده و خوار شمرده می‌شدند؛ در نهایت زمین را به ارث می‌برند و پیشوایان و حاکمان زمین می‌گردند. برخی از این آیات به شرح زیر است: ۱-۴-۴. آیه ۱۰۵ سوره انبیاء در این آیه با تعبیر «کتبنا» که اشاره به یک امر ثابت، مقرر و مفروض دارد، بیان می‌کند که در کتاب‌های آسمانی وراثت بندگان صالح خدا پیش بینی شده است: *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ*. و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. در تفسیر المیزان در باره این آیه چنین آمده است: «وراثت» و «ارث» به طوری که راغب گفته به معنای انتقال مالی است به تو بدون اینکه معامله‌ای کرده باشی. و مراد از وراثت زمین این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین مختصایشان شود، و این برکات یا دنیایی است که برمی‌گردد به تمتع صالحان از حیات دنیوی که در این صورت خلاصه مفاد آیه این می‌شود که به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی کنند؛ همچنانکه آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ... يَجْعَلُونَ لِي لَيْسَرًا كُونَ بِي شَيْءًا» [۷] از آن خبر می‌دهد. و یا این برکات اخروی است که عبارت است از مقامات قربی که در دنیا برای خود کسب کردند، چون این مقام هم، از برکات حیات زمینی است هر چند که خود از نعم آخرت است؛ همچنانکه آیه: «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَبَوْا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ» [۸] که حکایت کلام اهل بهشت است و آیه: «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ» [۹] بدان اشاره می‌کند. از همین جا معلوم می‌شود که آیه مورد بحث خاص به یکی از دو وراثت‌های دنیایی و آخرتی نیست بلکه هر دو را شامل می‌شود. [۱۰]. ۲-۴-۴. آیه ۵۵، سوره نورد در این آیه خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند وعده می‌دهد که سرانجام در زمین به

خلافت می‌رسند و از بیم و هراس رهایی می‌یابند: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد. همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را بهبراساس یک قانون و سنت الهی، بندگان مؤمن و صالح خداوند که جز در مقاطع محدودی از تاریخ کره خاک، همواره به استضعاف کشانده شده و خوار شمرده می‌شدند؛ در نهایت زمین را به ارث می‌برند ایمنی مبدل گردانند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را به من شریک نگردانند، و هر کس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، پس از اشاره به اختلاف نظر فراوانی که در میان مفسران در زمینه مراد از این آیه وجود دارد، و همچنین بیان دیدگاه خود در این زمینه، می‌فرماید: آنچه از همه مطالب برآمد این شد که خدای سبحان به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ای برایشان تکوین می‌کند که جامعه به تمام معنا صالح باشد، و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد، زمین را ارث برد و در عقاید افراد آن و اعمالشان جز دین حق، چیزی حاکم نباشد، ایمن زندگی کنند، ترسی از دشمن داخلی یا خارجی نداشته باشند، از کید نیرنگ بازان، و ظلم ستمگران و زورگویی زورگویان آزاد باشند. و این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز تا کنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر (ص) مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (ع) خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا (ص) و ائمه اهل بیت (ع) در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد. [۱۱]. نتیجه‌گیری: حاصل مباحثی که در این قسمت بیان شد این است که، براساس یک سنت تغییرناپذیر الهی، حاکمیت نهایی جهان از آن صالحان و مستضعفان است و بالاخره روزی جهان در اختیار صاحبان واقعی آن؛ یعنی بندگان صالح و مؤمنان به خدا و رسول او، قرار می‌گیرد. در این روز جهانیان طعم شیرین عدالت، امنیت و معنویت را می‌چشند و بی‌هیچ بیم و هراسی خدای یگانه را پرستش می‌کنند. اما پرسش این است که این سنت الهی به دست چه کسی محقق خواهد شد؟ تردیدی نیست که امام مهدی (ع) تنها تحقق بخش این سنت الهی در تاریخ است و جز او کسی نخواهد توانست وعده خدا بر حاکمیت صالحان را محقق کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که چون امام مهدی (ع) تنها ذخیره الهی برای تحقق سنت یاد شده است، خداوند او را از راه‌های گوناگون یاری خواهد داد تا بتواند سنتش را در میان بندگان جاری و وعده‌اش را محقق سازد. در این صورت جایی برای این پرسش که آن حضرت چگونه در برابر همه دنیای ظلم می‌ایستد و چگونه قدرت‌های نظامی و سیاسی زمان ظهور را در هم می‌شکند؟ باقی نمی‌ماند.

پاورقی

- [۱] ر. ک: مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی (ع)، ص ۱۷.
- [۲] ر. ک: طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ج ۱۰، ص ۱۰۴-۱۰۵.
- [۳] همان، ص ۱۰۵.
- [۴] مطهری، مرتضی، همان، ص ۱۹.
- [۵] طباطبائی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۰، ص ۱۳۲.
- [۶] همان، ج ۱۳، ص ۴۲۶-۴۲۷.
- [۷] سوره نور (۲۴)، آیه ۵۵.

[۸] سوره زمر (۳۹)، آیه ۷۴.

[۹] سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۱.]

[۱۰] طباطبائی، سید محمد حسین، همان، ج ۱۴، ص ۴۶۵ - ۴۶۶.

[۱۱] همان، ج ۱۵، ص ۲۱۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گوئی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR
 ۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو در پیچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گوئی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گوئی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

